

باربارا ۱۹ ساله بود و مایکل ۲۱ ساله که عاشق هم شدند و قرار ازدواج گذاشتند. آن دو عاشق جوان، خصوصیات مشترک فراوانی داشتند؛ اول اینکه هر دو رمانتیک بودند و طرفدار عشق افلاطونی و نقطه اشتراک بعدیشان اینکه هر جفتشان اهل مطالعه مجلات خانوادگی بودند.

آن روز که قرار بود ساعت پنج بعد از ظهر جلو سینما همدیگر را ببینند و برای اجاره سالن عروسی بروند، هر دو آخرین شماره مجله عاشقانه را خریده و تمام صفحاتش را خوانده بودند، از جمله پانوشت **صفحه ۱۴** که نوشته بود:

برای اینکه بفهمید نامزدتان چقدر دوستتان دارد، یک بار بدون خبر قبلی، سر قرار نروید، اگر به سراغتان نیامد، یعنی دوستتان ندارد...

باربارا و مایکل دیگر همدیگر را ندیدند؛ افسوس که هیچکدامشان خبر نداشتند دیگری نیز پانوشت **صفحه ۱۴** را خوانده است!
